

Investigating the Institutionalization of Press Supervision From 1921 to 1956 With Emphasis on the Strategic Role of the Supreme Council of Education and Press

Ghorbanali Kenarroudi¹

Received: 26 August 2024, Accepted: 07 October 2024

Doi: 10.22034/rcc.2024.2038987.1159

Abstract

The supervision of the press was under the responsibility of the Department of Impressions during the era of Naser al-Din Shah Qajar. All newspaper managers were required to submit the contents of their newspaper to the approval of the head of impressions before publication. After the constitution and the approval of the press law in 1286 A.H. emphasizing the freedom of the pen and expression and giving freedom to the press, the process of monitoring the press continued. The National Council approved the Supreme Council law of Education on March 20, 1300, A.H. He entrusted the council with the press's publication. This research is trying to answer how the Supreme Council of Education acted in its supervisory role over the press and what effect it had on the institutionalization of press supervision in the years 1300 with the historical research method and relying on archival documents and library documents. Has he had until 1335? This research is exploratory and lacks a hypothesis in the conventional sense. However, as an assumption, it can be said that using the terms free press and freedom of expression and pen in the press law did not prevent the institutionalization of press supervision. The Ministry of Education instructed the Supreme Council of Education to develop regulations for issuing licenses for newspapers and magazines and to oversee their publication, per the press law. Based on its legal duty, the Supreme Council of Education approved the regulations and by-laws related to newspapers and magazines. And their supervision reviewed the received requests and issued concessions in the name of their owners.

Keywords: Supreme Council of Education, Press, Press law, Constitution, Press supervision

1. Assistant Professor of History Faculty member of organization of National Library & Archive of I.R.of Iran. Email: gh.k.edu@gmail.com

بررسی نهادمندی نظارت بر مطبوعات از سال ۱۳۰۰ الی ۱۳۳۵ شمسی با تأکید بر نقش راهبردی شورای عالی معارف و مطبوعات

فریانعلی کنارودی^۱

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵، پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶

DOI: 10.22034/rcc.2024.2038987.1159

چکیده

پس از مشروطه و تصویب قانون مطبوعات در ۱۲۸۶ش نظارت بر مطبوعات مانند دوره ناصری مورد توجه قرار گرفت و در بیستم اسفند ۱۳۰۰ش اجازه صدور مجوز و نظارت بر چاپ و نشر و فعالیت مطبوعاتی به شورای عالی معارف سپرده شد. این پژوهش با هدف بررسی قانون مطبوعات و تحول آن و تعیین شورای عالی معارف جهت نظارت بر مطبوعات و فعالیت‌های مطبوعاتی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵ در تلاش است تا با روش تحقیق تاریخی و متکی بر اسناد آرشیوی و مدارک کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که شورای عالی معارف در ایفای نقش نظارتی خود بر مطبوعات چگونه عمل کرد و چه تأثیری در نهادمندی نظارت بر مطبوعات در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵ داشته است؟ کاربرد واژه مطبوعات آزاد و آزادی بیان و قلم در قانون مطبوعات ۱۲۸۶ش، مانع از نهادمند شدن نظارت بر مطبوعات نشد. شورای عالی معارف در راستای وظیفه نظارتی خود بر مطبوعات تلاش می‌کرد تا بر اساس منویات سیاسی و فرهنگی حکومت الزاماتی را برای جلوگیری از هر عمل غیرقانونی به افراد و صاحبان مطبوعات تحمیل کند و جامعه را به سوی نظامی هدایت شده و مورد اعتماد حکومت سوق دهد. این شورا تمامی روزنامه‌ها و مجلات را مکلف به اخذ امتیازنامه قبل از انتشار کرد. اسم‌ورسم، محل انتشار، روزانه یا هفتگی بودن، مرام و مسلک روزنامه و مجله‌ها را ثبت نمود. دبیران، استادان و مستخدمین دولت را از داشتن روزنامه یا مجله و نوشتن مطالب در آن منع کرد. مرتکبین خلاف از قانون مطبوعات و مقررات را به حکم قانون تحت تعقیب و تنبیه و مؤاخذه قرار داد.

واژه‌های کلیدی: شورای عالی معارف، مطبوعات، قانون مطبوعات، مشروطه، نظارت مطبوعات

۱. استادیار تاریخ و عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران.

مقدمه و بیان مسئله

نظارت بر مطبوعات از مباحث جدی قانون‌گذاران و سیاستمداران و اصحاب مطبوعات است. انتشار آزادانه مطبوعات بدون کسب اجازه، سانسور نکردن روزنامه‌ها و مجلات، عدم توقیف و تعطیلی خودسرانه نشریات و پیش‌بینی معیارهای قانونی مسئولیت آنها از ارکان اصلی آزادی مطبوعات در قوانین و مقررات بین‌المللی است. بنابراین هر قانون و رویه قضایی که این ارکان را اعمال نکند با اصل آزادی مطبوعات مغایرت دارد. البته به منظور رعایت مصالح عمومی و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده افراد از اصل آزادی مطبوعات تدابیری برای نظارت بر تأسیس و فعالیت مطبوعات از سوی کشورها در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی اگرچه آزادی مطبوعات در زمره حقوق بشر است، اما این آزادی مطلق نبوده و هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون مدنی و به منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و رعایت اخلاق و نظم عمومی وضع شده است.

با توجه به اهمیت مطبوعات در شکل‌گیری نهضت مشروطیت، مجلس شورای ملی ایران از همان ابتدا رویکردی جدی و مصمم به مطبوعات به عنوان رکن چهارم مشروطه در کنار سه رکن مقننه، مجریه و قضائیه داشت و در جهت قانون‌مند کردن فعالیت‌های مطبوعاتی در کشور، دست به تدوین قوانین و مقررات مربوط به مطبوعات زد. در ۱۲۸۶ش قانون مطبوعات در مجلس شورای ملی تصویب شد. یک سال بعد در متمم قانون اساسی مشروطه سه اصل بیستم، هفتاد و هفتم و هفتاد و نهم به مطبوعات و چگونگی برخورد با اصحاب مطبوعات در صورت تخلف از قانون اختصاص یافت.

نمایندگان مجلس با تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰ش ضرورت وضع قوانین و مقررات آموزشی و تربیتی را در دستور کار خود قرار دادند. در سال ۱۳۰۰ش مجلس شورای ملی با پیشنهاد وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، قانون شورای عالی معارف را تصویب کرد. بر اساس این قانون، صلاحیت تهیه و تنظیم مقررات و آیین‌نامه و صدور مجوز انتشار روزنامه و مجله و نظارت بر آن یکی از وظایف شورای عالی معارف شناخته شد. بررسی چرایی و چگونگی تبدیل شورای عالی معارف به یک نهاد نظارتی بر مطبوعات کشور مسئله این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

به لحاظ پیشینه پژوهش لازم به یادآوری است که تاکنون نوشتار مستقلی که به موضوع مورد نظر این پژوهش پرداخته باشد، تدوین نشده است. تنها می‌توان به کتاب‌ها و مقالاتی اشاره کرد که هرکدام از یک زاویه به تاریخ و قانون مطبوعات و مسائل آن پرداختند. مقالات مرتبط به مطبوعات و نظارت بر آن را می‌توان در دو دسته قرار داد. دسته اول مقالاتی هستند که به بحث سانسور در مطبوعات و معرفی برخی نهادهای نظارتی پرداختند. دسته دوم از مقالات صرفاً به تاریخچه قانون مطبوعات و شکل‌گیری و تحولات آن در ایران اشاره کردند. مقاله «اداره راهنمای نامه‌نگاری یا نظارت بر سانسور مطبوعات در عصر رضاشاه» اثر علی کریمیان (۱۳۸۳)، و مقاله «سانسور مطبوعات، کتاب، فیلم‌برداری و عکس‌برداری در دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰)» از کریم سلیمانی (۱۳۸۸)، «ترور میرزاده عشقی و تأثیر آن بر سانسور مطبوعات در دوره رضاشاه» اثر پروین حیدری (۱۳۹۶) و مقاله «تاریخچه سانسور در ایران» اثر عنایت‌الله رحمانی (۱۳۸۵) از دسته اول هستند. مقاله «صدسال قانون مطبوعات از قاجار تا پهلوی» اثر علی‌اکبر قاضی‌زاده (۱۳۷۴)، «مطبوعات ایران در دوره پهلوی» از مهدی بهشتی‌پور (۱۳۷۲) و مقاله «سیر تاریخی قوانین مطبوعات در ایران» از حمید مقدم‌فر (۱۳۸۰) در دسته دوم قرار دارند.

اهداف و سؤالات پژوهش

هدف این پژوهش بررسی روند تصویب قانون مطبوعات و تحول آن و تعیین شورای عالی معارف جهت نظارت بر مطبوعات و فعالیت‌های مطبوعاتی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵ و به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. نظارت بر مطبوعات تا چه اندازه منطبق با اصل آزادی مطبوعات است؟
۲. نتایج و پیامدهای شیوه نظارتی شورای عالی معارف چه بوده است؟

فرضیات پژوهش

با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده فرضیات این پژوهش به شرح زیر است:

۱. کاربرد اصطلاح مطبوعات آزاد و آزادی بیان و قلم در قانون مطبوعات، مانع نظارت بر مطبوعات نیست.

بایستی به گونه‌ای تنظیم شوند تا مطبوعات با تکیه بر اهرم آزادی و بیان به حریم دولت‌ها تجاوز نکنند و دولت‌ها نیز قادر نباشند با اهرم زور و فشار مطبوعات را از حقوق حقه خود محروم سازند.

مفهوم و فلسفه نظارت بر مطبوعات نه فقط در ایران بلکه در بسیاری از کشورها مورد بحث و گفت‌وگوی جدی قانون‌گذاران و روزنامه‌نگاران است. از ابتدای پیدایش صنعت چاپ و انتشار مطبوعات در جهان و با توجه به تنوع نظام‌های سیاسی و مواجهه آنها با مطبوعات، رعایت مصالح عمومی و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از اصل آزادی مطبوعات، تدوین مقررات نظارت بر تأسیس و فعالیت مطبوعاتی ضرورت یافت. به لحاظ نظری یکی از مشهورترین دسته‌بندی در نظام‌های مطبوعاتی، مربوط است به دیدگاه سبیرت و همکاران او که چهار نظام مطبوعاتی اقتدارگرا، آزادی‌گرا، مسئولیت اجتماعی و کمونیست شوروی را مطرح کردند (مهرداد، ۱۳۸۰: ۱۰۸). این نظام‌های مطبوعاتی در طی قرن‌ها و به موازات رشد اندیشه‌های سیاسی به وجود آمدند. نظریه اقتدارگرا از زمان افلاطون تا ماکیاوول و نظریه آزادی‌گرا در دوره جان میلتون و جان لاک و جان استوارت میل مشهور به عصر روشنگری، نظریه مسئولیت اجتماعی هم‌زمان با انقلاب ارتباطی و شک و تردید درباره فلسفه روشنگری و نظریه کمونیست شوروی بر مبنای افکار و اندیشه‌های مارکس، لنین و استالین شکل گرفته است (معتمدنژاد، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

با توجه به نظریه‌های فوق سه روایت و نظام متفاوت و متضاد در نظارت بر تأسیس و فعالیت مطبوعات مشاهده می‌شود. یکی نظام تنبیهی یا تعقیبی و دوم نظام پیشگیری و یا پلیسی و دیگری نظامی که هم شامل پیشگیری و هم شامل نظام تنبیهی است. نظام تنبیهی نظامی است که در آن افراد و گروه‌ها فارغ از هرگونه فشار و محدودیتی و با علم به اینکه سوءاستفاده از حق موجب مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود، امکان برخورداری از آزادی و حقوق اساسی شناخته شده را دارند، بدون آنکه دستگاه‌های اداری را در جریان اعمال خود قرار دهند. دولت تا زمانی که اعمال این حق روال عادی خود را طی می‌کند، دخالتی ندارد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۹۳). دولت‌ها به منظور حفظ مصالح و منافع عموم، محدودیت‌های معقولی برای مطبوعات پیش‌بینی می‌کنند که در صورت سرپیچی از قوانین مورد تعقیب و

درحقیقت قانون مطبوعات وزنه تعادل در روابط بین دولت‌ها و مطبوعات عمل می‌کند. شورای عالی معارف از سوی وزارت معارف مکلف به تهیه و تنظیم مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به صدور امتیازنامه روزنامه‌ها و مجلات و نظارت بر چاپ و نشر آنها گردید.

۲. شورای عالی معارف با وضع قوانین و مقررات و نظام‌نامه‌های مربوط، الزاماتی برای جلوگیری از هر عمل غیرقانونی به افراد و صاحبان مطبوعات تحمیل و جامعه را به سوی نظامی هدایت‌شده و مورد اعتماد حکومت سوق داد.

روش پژوهش

از آنجایی که مسئله پژوهش، تاریخی است، از روش تحقیق تاریخی متکی بر اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و آرشیوی استفاده شده است. در این روش محقق پس از مطالعه اسناد و بررسی مدارک به تجزیه و تحلیل، تفسیر و توصیف پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی در یک بازه زمانی مشخص می‌پردازد. بنابراین روش پژوهش حاضر در ذیل نگرش‌های بازساختگرا (اثباتگرایانه) قرار می‌گیرد. رویکرد بازساخت‌گرایی عمدتاً گذشته‌گرا و مبتنی بر این باور است که گذشته قابل کشف و بازیابی است. نویسنده در تلاش است با این رویکرد روند تاریخی شکل‌گیری شورای عالی معارف و عملکرد آن به عنوان نهاد نظارت بر مطبوعات را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

ادبیات پژوهش

به مجموعه اقداماتی که توسط یک نهاد اداری یا قضایی به منظور بررسی و یا کنترل روند تأسیس و عملکرد مطبوعات صورت می‌گیرد «نظارت بر مطبوعات» گفته می‌شود. نظارت بر مطبوعات مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی با دیدگاه‌های گوناگونی بررسی شده است. فضای حاکم بر مطبوعات و عدم رعایت حدود و مقررات در بیان مطالب و در نتیجه هرج‌ومرج مطبوعاتی همواره مورد حساسیت دولت‌ها است. محدودیت‌هایی که دولت‌ها در قوانین مطبوعاتی منظور می‌کنند، همواره با واکنش و نقد و مقابله اصحاب مطبوعات و احزاب سیاسی است.

درحقیقت قوانین مطبوعاتی به منزله وزنه تعادل در روابط میان دولت‌ها و مطبوعات عمل می‌کنند. این قوانین

عمومی و فاسدکننده خلق و خوی مردم بود، گام نخست در نظارت بر مطبوعات برداشته شد (محیط طباطبایی، ۱۳۶۴: ۴۷). نخستین دستورالعمل ممیزی در مطبوعات به دستور ناصرالدین شاه و توسط شخصی به نام کنت دومنت فرت در سال ۱۲۹۶ ق/۱۲۵۷ ش تحت عنوان کتابچه قانون جزا تألیف گردید (کهن، ۱۳۶۰: ۱۲۲). بدین ترتیب اداره سانسور در وزارت انطباعات و به منظور نظارت بر مندرجات مطبوعات چاپ داخل و خارج از کشور، تأسیس شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۱۹). نخستین فردی که نظارت و بررسی محتوای مطبوعات را بر عهده داشت فردی انگلیسی به نام ادوارد برجیس بود (کاظم‌زاده ایرانشهر، ۱۳۶۳: ۱۲۵۰).

با تدوین قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۵ ش و متمم آن در سال ۱۲۸۶ ش نخستین اقدام در تدوین و تصویب قوانین و مقررات در ایران آغاز شد. طراحان و نویسندگان قانون اساسی مشروطه به لحاظ نقشی که مطبوعات در ایّام نهضت ایفا کرده بودند، به مطبوعات به عنوان رکن چهارم مشروطه در کنار سه رکن مقلنه، مجریه و قضائیه توجه نمودند. از کارهای مهمی که نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی انجام دادند، دادن آزادی به مطبوعات در اولین قانون اساسی مصوب ۱۲۸۵ ش بود (قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۴). آنان با تأکید بر آزادی قلم و بیان، اصل سیزدهم قانون اساسی را به مطبوعات اختصاص دادند. به موجب این اصل روزنامه‌ها اجازه یافتند تمامی صورت مذاکرات مجلس شورای ملی را منتشر کنند تا هیچ امری از امور مجلس و کشور پنهان نماند. همچنین مطبوعات تا زمانی که از اصول اساسی قانون پیروی می‌کنند می‌توانند مطالب مفید خود را چاپ و منتشر نمایند (مجموعه قوانین دوره قانون‌گذاری نخست، ۱۳۱۸: ۳-۱۴). یک سال بعد در متمم قانون اساسی مشروطه مصوب سال ۱۲۸۶ ش سه اصل بیستم، هفتاد و هفتم و هفتاد و نهم به مطبوعات و چگونگی برخورد با اصحاب مطبوعات در صورت تخلف از قانون اختصاص یافت. در اصل بیستم متمم قانون اساسی آمده است: «عامه مطبوعات، غیر از کتب ضلاله و مواد مضره به دین مبین اسلام، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است. هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. ولی اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند» (همان، ۱۰).

رسیدگی قرار می‌گیرد و متخلفان تنبیه و مجازات می‌شوند (معمدزاد، ۱۳۷۹: ۲۹-۲۸).

در نظام پیش‌گیری یا پلیسی قدرت عمومی الزاماتی را برای جلوگیری از هر عمل غیرقانونی به افراد و گروه‌های ذینفع تحمیل می‌کند. در این نظام حقوق و آزادی مردم در دست قدرت و ابتکار عمل دولت قرار می‌گیرد و جامعه را به سوی یک نظام هدایت‌شده سوق می‌دهد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۹۴). به عبارت دیگر فعالیت مطبوعاتی در اختیار افراد یا گروه‌های مورد اعتماد حکومت قرار می‌گیرند (معمدزاد، ۱۳۷۹: ۲۸). در نظام سوم یا همان پیشگیری-تنبیهی دولت‌ها نه تنها مطبوعات و رسانه‌ها را تحت کنترل دارند بلکه در حد توان انحصار کامل ارتباطات را به وسیله تحمیل محدودیت‌های سخت در دست دارند (معمدزاد، ۱۳۷۹: ۲۹-۳۰).

بر این اساس و با توجه به توضیحات فوق در این مقاله سعی می‌شود نشان داده شود که مجموعه اقدامات شورای عالی معارف در نظارت بر مطبوعات، با توجه به شرایط تاریخی ایران و نظام حکومتی قاجار و پهلوی ذیل نظام تنبیهی یا پلیسی قرار می‌گیرد که تلاش می‌کرد تا الزاماتی را برای جلوگیری از هر عمل غیرقانونی به افراد و صاحبان مطبوعات تحمیل کند و جامعه را به سوی نظامی هدایت‌شده و مورد اعتماد حکومت سوق دهد. البته این شورا در برخی تحولات سیاسی ایران (مانند سال‌های نخست دوره مشروطه و دولت ملی دکتر مصدق) و رویکرد مدرن سازی و غرب‌گرایانه این دولت‌ها و تحت تأثیر تحولات قوانین مربوط به مطبوعات آزاد در غرب به نظام پیشگیری تمایل داشته است.

یافته‌های پژوهش

الف. سیر تحول قانون مطبوعات در ایران

تا پیش از تأسیس مجلس شورای ملی و تدوین قوانین مرتبط با مطبوعات، عموم مدیران جراید موظف بودند مندرجات روزنامه خود را قبل از انتشار به نظر رئیس انطباعات برسانند. او می‌توانست از انتشار هرگونه مطلبی که برخلاف سیاست حاکم بود، جلوگیری نماید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۲: ۴۵۶؛ صدر هاشمی، ۱۳۶۲: ۱۷). با انتصاب صنیع‌الملک میرزا حسن‌خان وزیر علوم به سرپرستی چاپخانه‌های کشور برای جلوگیری از نشر کتاب‌ها و آثاری که مضر به اخلاق

قانون مطبوعات مجازات خواهد شد (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۸۲۳۳-۲۹۰؛ مجموعه قوانین چهارمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی ۱۰ تیرماه ۱۳۰۰ تا ۳۱ خرداد ۱۳۰۲).

اهمیت نظارت و مراقبت از مطبوعات چنان بود که در قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی و ۷ بهمن ۱۳۰۴ مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفت. در ماده ۲۴۵ این قانون آمده است: «هر کس تصنیف یا تألیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره بدون اجازه مؤلف یا مصنف یا کسی که حق تألیف را از مصنف یا مؤلف تحصیل نموده است کلاً یا بعضاً شخصاً یا به توسط دیگری به طبع برساند به تأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان محکوم خواهد شد.» بر طبق ماده ۲۴۶ و ۲۴۷ چنانچه کسی در تألیف یا تصنیف نگارش خود جملات و مطالبی از دیگری بدون ذکر اسم مؤلف یا مصنف یا نویسنده آن بیاورد و یا اگر کسی با علم و اطلاع اثر دیگری را بفروشد و یا به خاک ایران وارد کند به پرداخت غرامت از بیست و پنج تا دویست تومان و اگر تصنیف یا تألیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره را به اسم خود یا دیگری غیر از مؤلف چاپ و منتشر کند به پرداخت صد تا هزار تومان جریمه محکوم خواهد شد (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۸۲۳۳-۲۹۰؛ مجموعه قوانین چهارمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی ۱۰ تیرماه ۱۳۰۰ تا ۳۱ خرداد ۱۳۰۲).

در دوره نخست‌وزیری احمد قوام، قانون مطبوعات ۱۲۸۶ش مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت و در ۳ دی ۱۳۲۱ در مجلس سیزدهم، تصویب شد. متمم قانونی آن شامل سه ماده و یک اصلاحیه با عنوان ماده واحده در ۲۵ دی ۱۳۲۱ به تصویب رسید (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۱۰۲). بخشی از این اصلاحات عبارت‌اند از:

- داشتن شرایط مقرر در قانون مطبوعات مصوب ۱۲۸۶ و سرمایه علمی و اخلاقی مورد نظر شورای عالی فرهنگ با رعایت نوع روزنامه یا مجله که می‌خواهند منتشر کنند ضروری است. هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از یک روزنامه یا مجله داشته باشد.

- اصلاح ماده ۲۴ قانون مطبوعات ۱۲۸۶- توهین و ناسزا و هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد یا هیئت‌ها و هرگونه تخفیف و تحقیر نسبت به آنها با شکایت مدعی خصوصی در دادگاه و خارج از نوبت مطرح و نویسنده و ناشر

- تصویب اولین قانون مطبوعات در ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش نخستین قانون مطبوعات توسط نمایندگان مجلس اول مشروطه در سال ۱۲۸۵ش تهیه شد، اما عمر مجلس به سر آمد و به تصویب نرسید. دوره دوم مجلس شورای ملی به ریاست احتشام‌السلطنه، قانون مطبوعات تهیه‌شده از سوی مجلس اول مشروطه را که شامل شش فصل و ۵۲ ماده و دو ماده متمم بود، در ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش با حضور ۸۸ نفر از نمایندگان و با ۷۶ رأی موافق به تصویب رساند (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۱۹). برخی بر این عقیده هستند که مقدمات این قانون از سوی اعضای انجمن گلستان و بخصوص علی محمد مجیرالدوله فراهم شده بود (بامداد، ۱۳۵۷: ۱۷۱؛ روزنامه ندای وطن، ۱۳۲۵: ۴).

این قانون مفصل‌ترین قانون مطبوعات در ایران به شمار می‌آید و در مقدمه آن سیردن التزام شرعی و تعهد به وزارت معارف از سوی صاحبان مطبوعات تأکید شده است: «هر کس بخواهد مطبوعه دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی به طبع برساند یا مطبوعات را بفروشد باید بدو عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف به التزام شرعی ملتزم و متعهد شود» (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷، کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ق به خط عمادالکتاب، نشر مطبوعه میرزا علی اصغر، ۹-۴).

پانزده سال پس از تصویب قانون مطبوعات و با توجه به اهمیت نظارت بر مطبوعات، در دهم آبان ۱۳۰۱ش قانون جدیدی با عنوان «قانون راجع به نظارت مطبوعات» در دو ماده تصویب گردید. مطابق با اصل بیستم متمم قانون اساسی چنانچه مدیران جراید و مجلات و چاپخانه‌داران بخواهند درباره امور مربوط به دین اسلام و مذهب مطلبی بنویسند و یا چاپ نمایند، باید قبلاً به ناظر شرعیات که دو نفر از مجتهدین جامع‌الشرایط او را تأیید کرده‌اند و از سوی وزارت معارف در تهران و مراکز ایالات و ولایات معرفی شده‌اند، مراجعه و پس از تصدیق عدم مضر بودن آن مطالب خود را چاپ و منتشر کنند. همچنین هرگاه یکی از مدیران روزنامه و مجلات و یا یکی از چاپخانه‌داران از ماده فوق تخلف کند، مدعی العموم و یا مدعی خصوصی او می‌تواند به ناظر شرعیات و یا یکی از مجتهدین مراجعه کرده و بعد از اثبات مضر بودن مطالب منتشرشده بلافاصله مطالب منتشره توقیف و جمع‌آوری شده و مدیر یا نویسنده و چاپخانه به تشخیص ناظر شرعیات یا مجتهد عادل مطابق

از هشت روز تا شش ماه حبس و از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی و از هشت روز تا سه سال توقیف روزنامه محکوم خواهد شد. دادگاه می‌تواند متخلف را به یک یا هر سه مجازات مذکور محکوم نماید. در صورتی که جرائم مذکور به وسیله اوراق چاپی به عمل آمده باشد آن اوراق ضبط و نویسنده و ناشر آن نیز مشمول مقررات فوق خواهد بود. در صورتی که نویسنده و یا مدیر روزنامه بتواند از عهده اثبات نسبتی که داده برآید از مجازات معاف خواهد شد.

شورای عالی فرهنگ برای اجرای این قانون آیین‌نامه‌ای تنظیم خواهد کرد که پس از تصویب هیئت وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد. رأی شورای عالی فرهنگ با اکثریت قاطع است و هیچ‌یک از کارمندان شورای مزبور حق ندارند رأی خود را به دیگری واگذار نماید (آرشیو ملی ایران، سندهای شماره ۷۷۴۴-۲۹۷؛ ۵۲۳۳۴-۳۱۰).

- سومین قانون مطبوعات ۱۰ مرداد ۱۳۳۴
پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت دکتر مصدق، تمامی لوایح و قوانینی که در این دوره تصویب شده بود از جمله «لایحه قانونی مطبوعات» از سوی مجلس هیجدهم باطل شمرده شد و کمیسیون ویژه‌ای متشکل از نمایندگان دو مجلس شورای ملی و مجلس سنا مأمور تدوین قانون جدیدی برای مطبوعات شدند. این کمیسیون در روز دهم مرداد ۱۳۳۴ سومین قانون مطبوعات شامل ۵ فصل و ۴۲ ماده را به تصویب رساند. مهم‌ترین فصل‌های آن شامل: تعریف و تأسیس روزنامه و مجله، حق جوابگویی، آیین‌نامه‌های مطبوعاتی، جرائم، تخلفات، دادرسی مطبوعات و هیئت منصفه بود. در این قانون آشکارا اصل سیزدهم قانون اساسی مشروطیت درباره مطبوعات و اصول مربوطه در متمم قانون اساسی نادیده گرفته شد و آزادی مطبوعات رسماً نقض گردید (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

- دومین قانون مطبوعات: لایحه قانونی ۱۵ بهمن ۱۳۳۱
دومین قانون مطبوعات در دوره نخست‌وزیری محمد مصدق در پنج فصل و ۴۶ ماده و یازده تبصره و یک متمم هشت ماده‌ای در بهمن ۱۳۳۱ (با استفاده از قانون اختیارات) به تصویب رسید. مجلس هفدهم با تصویب یک ماده‌واحد به دکتر مصدق اختیار داده بود لویحی را که ضروری می‌دانست تهیه و پس از اجرای موقت به صلاح‌دید خود به مجلس ارائه دهد. اصلاح قانون مطبوعات از آن جمله بود. در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق دو قانون مطبوعات به تصویب رسید. نخستین قانون مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱ به همراه دو متمم بعدی آن بود که فقط به مدت دو ماه اجرا شد. دومین قانون در ۱۵ بهمن همان سال به تصویب رسید (قاسمی، همان: ۱۱۲). از آنجایی که این قانون بر اساس اختیارات ویژه و نه از طریق قوه مقننه تصویب و اجرا شد اصطلاحاً «لایحه قانونی مطبوعات» نامیده شد. این قانون در پنج فصل به شرح زیر تصویب شد:

ب. شکل‌گیری شورای عالی معارف
با تصویب قانون اداری وزارت معارف در ۱۲۸۹ش و قانون اساسی معارف در ۱۲۹۰ش از سوی مجلس شورای ملی و با توجه به وظایف و تکالیفی که بر عهده وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نهاده شد، در بیست و هفتم آبان ماه سال ۱۳۰۰ش «لایحه پیشنهادی تشکیل شورای عالی معارف» از سوی این وزارتخانه به مجلس شورای ملی ارسال شد. در بیستم اسفند ۱۳۰۰ش قانون شورای عالی معارف در دو فصل و یک خاتمه به تصویب رسید و بلافاصله به وزارت معارف ابلاغ شد (مجله تعلیم و تربیت، سال اول، شماره ۱۱ و ۱۲: ۷۳-۷۷). البته شورای عالی معارف پیش‌ازین، فعالیت خود را رسماً تحت نظارت وزیر معارف وقت، احمد بکر (نصیرالدوله) آغاز کرده بود.

- تعریف و تأسیس روزنامه و مجله در ۱۲ ماده
- حق جوابگویی و آیین‌نامه‌های مطبوعاتی در ۲ ماده
- جرائم مطبوعاتی در ۱۵ ماده
- تخلفات در ۴ ماده
- دادرسی مطبوعاتی و هیئت منصفه در ۱۳ ماده
با اینکه لایحه قانونی مصوب ۱۳۳۱ در بخش جرائم مطبوعاتی تفاوت چندانی با قوانین قبلی نداشت اما از

آزادی مطبوعات، مقررات و تدابیر و نهادی برای نظارت بر تأسیس و فعالیت مطبوعاتی، در قانون مطبوعات در نظر گرفته می‌شود. این نهاد، ناظر قانونی و عملکرد آن مستقل از حکومت و بر اساس اصول مشخص و منطقی و به‌دوراز اقدامات سلیقه‌ای و افراطی یا تقریپی خواهد بود.

به عبارتی اگرچه آزادی مطبوعات در زمره حقوق بشر است، اما این آزادی مطلق نبوده و هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون و به منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و رعایت اخلاق و نظم عمومی وضع می‌شود. مجلس شورای ملی از روزهای نخست قانون‌گذاری و نظر به اهمیت مطبوعات تدوین قانون مطبوعات و نظارت بر آن را در دستور کار خود قرار داد و شورای عالی معارف به عنوان نهاد ناظر بر مطبوعات و فعالیت‌های آن تعیین گردید. مهم‌ترین اقدامات این شورا در راستای وظیفه نظارت بر مطبوعات به شرح زیر است:

الف. تهیه و تنظیم مقررات و ضوابط صدور امتیاز مجله و روزنامه

به‌موجب قانون ۲۰ اسفند ۱۳۰۰، تهیه و تنظیم مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به مطبوعات، تشخیص صلاحیت اشخاص متقاضی امتیاز مجله و روزنامه و صدور هرگونه امتیازنامه و نظارت بر عملکرد و اقدامات آنها به شورای عالی معارف واگذار شد (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۴۳۳-۲۹۷؛ سند شماره ۳۴۶۷۰-۲۹۷). در تاریخ دوشنبه دوم بهمن ۱۳۰۱ش چهاردهمین جلسه شورای عالی معارف با حضور وزیر معارف تشکیل و بر طبق مواد قانون مطبوعات، نحوه اعطای امتیاز جراید مطرح و پس از مذاکرات طولانی تصویب شد که: به هر یک از داوطلبان و متقاضیان امتیاز روزنامه که واجد شرایط هستند اجازه روزنامه داده خواهد شد و اگر خلافی نسبت به مواد قانون مطبوعات از آنان سر بزند به حکم قانون تحت تعقیب قرار گرفته و مورد تنبیه و مؤاخذه قرار خواهند گرفت (صورت‌جلسات شورای عالی معارف، ۱۳۰۱، دفتر شماره ۱، ۳۰-۲۸).

شورای عالی معارف در ۳۱ اردیبهشت سال ۱۳۰۳ش تصویب کرد که در کلیه پیشنهادهایی که جهت کسب امتیاز روزنامه و مجله فرستاده می‌شود بایستی مسلک روزنامه یا مجله از حیث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی و

بدر در اجرای وظیفه قانونی خود در روز ۱۴ مهر ۱۲۹۷ش دست به انتخاب اعضای شورای عالی معارف زده و اولین جلسه را در ۲۷ مهر ۱۲۹۷ش سه سال قبل از تصویب قانون شورای عالی معارف، تشکیل داد. اعضای انتخابی شورای عالی معارف عبارت از: آقایان نصیرالدوله بدر وزیر معارف و رئیس شورا، رضاقلی‌خان تیرالملک معاون کل معارف، دکتر اعلم‌الدوله رئیس کل معارف، شاهزاده فیروز میرزای نصرت‌الدوله وزیر عدلیه، حاجی آقای شیرازی، عبدالحسین‌خان فروغی ذکاءالملک، ملک‌الشعرای بهار، صدرافاضل، معجیرالدوله، میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله، حاجی سیدمحمد سلطان‌العلما مدیر مدرسه شماره شش متوسطه، سیدمحمد حجت مدیر مدرسه شماره بیست‌ودو ابتدایی، قویم‌الدوله، سیدمحمد تدین و دکتر احمدخان عمادالملک بودند (کهندانی، ۱۳۸۸: ۴۶).

عیسی صدیق اعلم در خاطرات خود می‌نویسد «روز هشتم اسفند ۱۲۹۹ش وقتی سیدضیاءالدین طباطبایی به نخست‌وزیری رسید اطلاعیه‌ای چاپ و در تمام نقاط توزیع شد و در آن از تمام ملت ایران برای اصلاح کلیه امور خواسته شد اگر نظریاتی دارند پیشنهاد کنند. من نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشتم و پیشنهاد کردم که اولین گام بدون خرج در اصلاح و پیشرفت فرهنگ تأسیس شورای عالی فرهنگ (منظور نویسنده شورای عالی معارف) است. این پیشنهاد به مرحوم تیرالملک وزیر فرهنگ ارجاع شد و لایحه‌ای که تقدیم گردید در اسفند ۱۳۰۰ش به تصویب مجلس شورای ملی رسید.» (۱۳۵۴: ۱۲۶).

نقش نظارتی شورای عالی معارف بر مطبوعات

مروری بر تاریخچه مطبوعات و مطالعات نظری پیرامون آن نشان از ضرورت نظارت بر تأسیس و فعالیت‌های مطبوعاتی دارد. البته قوانین و رویه‌های قضایی نباید با اصل آزادی مطبوعات مغایرتی داشته باشد. زیرا انتشار آزادانه مطبوعات بدون کسب اجازه یا اخذ امتیاز، سانسور نکردن روزنامه‌ها و مجلات، عدم توقیف و تعطیلی خودسرانه نشریات و پیش‌بینی معیارهای قانونی مسئولیت آنها و رسیدگی به تخلفات و جرائم احتمالی آنان در دادگاه‌ها با حضور هیئت منصفه از ارکان اصلی آزادی مطبوعات است (معتدنازاد، ۱۳۷۹: ۲۵). بنابراین به منظور رعایت مصالح عمومی و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده افراد از اصل

۱. برای امتحان و تشخیص شایستگی مدیرمسئول و سردبیر روزنامه و مجله، هیئت رسیدگی مرکب از پنج نفر از اعضای شورای عالی فرهنگ و رئیس اداره راهنمای نامه‌نگاری و رئیس اداره انطباعات در وزارت فرهنگ تشکیل خواهد شد.
۲. هیئت رسیدگی موظف است مدیرمسئول و سردبیر روزنامه یا مجله را از لحاظ ادبی و قریحه نویسندگی در زبان فارسی و همچنین ذوق و قوه تشخیص او در امور علمی و اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و نیز در موضوعات فنی روزنامه‌نگاری در معرض آزمون درآورده یا مطالبه اسناد تحصیلی نماید، تا از حیث انشاء و نویسندگی و هم از حیث معلومات شایستگی او جهت راهنمایی افکار عمومی و تهذیب اخلاق و نشر معلومات معلوم گردد. در هر صورت مدیر یا سردبیر باید به یکی از زبان‌های خارجی به حد کفایت مسلط باشد.
۳. چنانچه روزنامه یا مجله‌ای هفت سال مرتب و بدون تعطیلی منتشر شده باشد و ارزش مندرجات آن مورد تصدیق هیئت رسیدگی قرار گیرد و یا آن‌که اکثریت اعضای هیئت رسیدگی شایستگی مدیر روزنامه یا مجله را بر اساس بند ۱ مصوبه شماره ۱۹۴۲ هیئت وزیران در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۷ تأیید نمایند از دادن امتحان معاف خواهد بود ولی باید سردبیری که واجد شرایط ماده اول و دوم تصویب‌نامه باشد معرفی کند و در این صورت هیئت رسیدگی سردبیر را مورد آزمون قرار خواهد داد.
۴. استطاعت مالی مدیرمسئول روزنامه یا مجله با تضمینات کافی از قبیل ارائه اعتبار بانکی مدیرمسئول یا مدارک معتبر دیگر برای روزنامه حداقل برای ۴ ماه متوالی و برای مجله برای ۴ ماه تا یک سال محرز شود.
۵. مدیرمسئول و سردبیر هر روزنامه یا مجله که متقاضی صدور امتیاز هستند، قبل از تشکیل هیئت رسیدگی گواهی‌نامه‌های مربوط به عدم سوءسابقه و عدم محکومیت قضایی را ارائه دهند.
۶. تشخیص شایستگی مدیرمسئول و سردبیر روزنامه‌ها و مجله‌هایی که درخواست صدور امتیاز برای آنها می‌شود از لحاظ ادبی و قریحه در نگارش زبان فارسی و همچنین ذوق و قوه تشخیص او در امور علمی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی و نیز در موضوع فنی روزنامه یا مجله، بر عهده هیئت رسیدگی مرکب از سه نفر از اعضای شورای عالی ادبی و اینکه روزانه یا هفتگی است، قید شود. همچنین به منظور تسهیل و دقت عمل بیشتر در صدور امتیاز روزنامه و مجله و جهت جلوگیری از صدور امتیاز چند روزنامه و مجله به اسم یک نفر، اداره معارف در وزارتخانه را مکلف کرد تا دفتری مخصوص ایجاد نموده و اسامی تقاضاکنندگان با اسم و رسم و نام پدر، تاریخ ولادت و مذهب و نام روزنامه و محل انتشار و تاریخ تصویب و غیره را مرتباً در آن ثبت و ضبط کند (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۳۶۴۵۴-۲۹۷).
- این شورا در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۰۳ ش مقرر کرد که صاحبان امتیاز جراید و مجلات، بایستی روزنامه یا مجله خود را در همان محلی که امتیاز گرفته‌اند طبع و نشر نمایند و چنانچه محل خود را تغییر بدهند امتیاز آنان لغو خواهد شد. در جلسه بهمن ۱۳۰۳ تصویب شد، جرایدی که از طرف اداره کل معارف پیشنهاد می‌شود دو نکته: اولاً محل چاپ و توزیع روزنامه، ثانیاً روزانه یا هفتگی بودن آن، باید رعایت شود تا پس از مطرح شدن در شورا محتاج به تحقیقات ثانویه نشود (همان).
- در ۲۵ آبان ۱۳۰۴ ش تصویب شد کلیه کسانی که خواهان امتیاز روزنامه و مجله هستند، بایستی ورقه هويت و مدرک رسمی مبنی بر عدم ارتکاب جرم و جنایت در محل اقامت در تهران و یا در شهرستان‌ها ارائه کنند (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۳۵۶۹۲-۲۹۷). درحقیقت از این تاریخ است که پای شهربانی و نظمی در مسائل مربوط به نظارت بر مطبوعات باز می‌شود.
- در ۲۷ آبان ۱۳۱۴ ش شورای عالی معارف تصویب کرد: «نظر به اینکه لازم است آقایان دبیران و استادان وقت خود را صرف مطالعه و تهیه دروس نمایند، شورای عالی معارف تأیید نمود که تصمیم سابق او مبنی بر اینکه مستخدمین دولت نظر به اشتغالی که دارند باید کماکان از نوشتن روزنامه و یا مجله صرف نظر کنند، شامل کلیه دبیران و استادان نیز خواهد بود.» (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۳۲۶۸-۲۹۷؛ تعلیم و تربیت، ۱۳۱۴، سال پنجم، شماره ۸ و ۷، ۴۳۲).
- این شورا بر اساس مصوبه ۱۳۱۴ ش با جدیت و اصرار تمام در اعطای امتیاز به معلمین و مدیران و کارمندان دولتی خودداری و مخالفت می‌کرد (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۳۵۴۹۲-۲۹۷).
- شورای عالی معارف در ۱۴ تیر ۱۳۱۷ آیین‌نامه امتیاز روزنامه‌ها و مجله‌های کشور را به شرح زیر تصویب کرد:

و از روی توجهی که اهل فضل و ادب به انتشارات مذکور کرده‌اند با رأی مخفی معلوم خواهند کرد که آیا میزان فضل و دانش تقاضاکننده برای اجازه نشر روزنامه یا مجله کافی است یا نه. کمیسیون پس از رسیدگی نظر خود را برای صدور رأی قطعی به شورای عالی فرهنگ گزارش خواهد داد.

هرگاه تقاضاکننده برای اثبات مراتب فضل و دانش خود بخواهد امتحان بدهد کمیسیون هیئت ممتحنه مرکب از سه نفر از اساتید متناسب با نوع روزنامه و مجله را برای تشکیل جلسه امتحان انتخاب و به دبیرخانه شورای عالی فرهنگ معرفی خواهد نمود که وسایل امتحان را با حضور هیئت ممتحنه مربوطه فراهم نماید. به موجب این مصوبه امتحانات تقاضاکنندگان اجازه روزنامه یا مجله سالی دوبار در اردیبهشت‌ماه و دی‌ماه به عمل خواهد آمد و مواد امتحانی آنان عبارت است از: ۱- قرائت و توضیح قطعاتی از کتاب‌های معتبر فارسی و نوشتن قطعاتی از این کتاب‌ها به صورت املاء. ۲- امتحان نویسندگی که نشان بدهد داوطلب می‌تواند زبان فارسی را با لغات و جمله‌بندی‌های صحیح بنویسد. ۳- امتحان اطلاعات عمومی که مربوط به نوع روزنامه یا مجله مورد تقاضا باشد (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۳۹۱۸-۲۹۷).

پیش از این نیز بنا به مصوبه جلسه نهصد و بیست و سوم شورای عالی فرهنگ در مورخه ۲۵ آذر ۱۳۳۵ مقرر شده بود، اشخاص متقاضی صدور امتیاز روزنامه یا مجله، در صورت نداشتن لیسانس باید دارای تألیفاتی باشند که از طرف استادان دانشگاه مورد تأیید قرار گرفته باشد و یا دارای سابقه تدریس در دانشگاه باشند (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۴۳۴۴۰-۲۹۷).

ب. نظارت بر مطبوعات

بی‌گمان باید گفت بخش مهم و اثرگذار شورای عالی معارف، نظارت بر روزنامه‌ها و مجلات و اجرای دقیق مقررات و ضوابط تعیین‌شده در قانون مطبوعات بود. نخستین گروه شرعی ناظر بر مطبوعات، «مجمع علوم دینی» نام داشت که در اداره معارف وزارت معارف تشکیل گردید (مجموعه قوانین دوره قانون‌گذاری نخست، ۱۳۱۸: ۲۲). سپس دفتر

معارف که از سوی وزیر معارف انتخاب می‌شوند و رئیس اداره راهنمای نامه‌نگاری و رئیس اداره انطباعات در وزارت معارف، خواهد بود (آرشیو ملی ایران، (آرشیو ملی ایران، اسناد شماره ۸۲۳۳-۲۹۰ و ۷۷۴۴-۲۹۷). به دنبال اصلاح قانون مطبوعات در سوم دی ۱۳۲۱ شورای عالی فرهنگ^۱ (معارف سابق) آیین‌نامه‌ای تنظیم و به تصویب هیئت‌وزیران رساند. در این آیین‌نامه ۲۰ ماده‌ای بیش از هر چیز داشتن شرایط و شایستگی اخلاقی، سرمایه علمی و مالی برای مدیران و صاحبان امتیاز روزنامه و مجله و سایر نشریات، لازم و ضروری شناخته شد (آرشیو ملی ایران، سندهای شماره ۷۷۴۴-۲۹۷؛ ۵۲۲۳۴-۳۱۰). شورا در ۱۶ دی ۱۳۳۵ش نحوه رسیدگی به مراتب فضل و دانش متقاضیان مجوز نشر روزنامه و مجله را به شرح زیر تصویب نمود:

۱. شورای عالی فرهنگ وقتی رسیدگی خواهد نمود که سایر شرایط قانونی تقاضاکننده امتیاز به تشخیص وزارت کشور که مرجع قانونی اعطای امتیاز روزنامه و مجله است محرز قطعی شده باشد زیرا احراز سایر شرایط که در ماده سوم قانون مطبوعات ذکر شده بر صلاحیت علمی تقدم طبیعی دارد. یعنی در صورتی که تقاضاکننده امتیاز یکی از شرایط مذکوره در بندهای الف، ب، ج، ه، و را فاقد باشد رسیدگی به مراتب فضل و دانش او بی‌نتیجه خواهد بود.

۲. چون در بند «د» ماده سوم قانون مطبوعات تصریح شده است که درخواست‌کننده باید لااقل لیسانس و یا از فضلا و دانشمندان باشد که مراتب فضل و دانش او از نظر روزنامه‌نگاری از طرف شورای عالی فرهنگ گواهی شده باشد برای رسیدگی به مراتب فضل و دانش تقاضاکنندگانی که دارای درجه علمی لیسانس به بالا نباشند شورای عالی فرهنگ کمیسیون خاصی مرکب از پنج نفر از دانشمندان انتخاب می‌نماید و کمیسیون برای رسیدگی به مراتب فضل و دانش تقاضاکننده به یکی از دو طریق زیر عمل می‌کند:

- هرگاه تقاضاکننده دارای تألیف یا ترجمه و آثار چاپ و منتشر شده باشد از هر یک از آثار خود یک نسخه به دبیرخانه شورای عالی فرهنگ تسلیم می‌نماید. دبیرخانه مدارک مذکور را به کمیسیون فوق ارجاع می‌کند. کمیسیون با مراجعه به کتاب‌ها و آثار قلمی

مخصوصی در دبیرخانه وزارت معارف تشکیل گردید و به ثبت و ضبط اسامی روزنامه‌ها، مکان چاپ و نشر، اسامی سردبیران و مدیران، مرام و مسلک هر یک از آنها پرداخت. وظایف این دفتر بعدها به اداره انطباعات وزارت معارف انتقال یافت.

البته لازم به ذکر است از ۱۳۱۰ش شهربانی کاملاً بر مندرجات روزنامه‌ها نظارت داشت و مدیران جراید حق نشر هیچ مطلبی را بدون اجازه شهربانی نداشتند. شهربانی نه تنها مقالات سیاسی و اخبار داخلی و خارجی بلکه اعلانات روزنامه‌ها را قبل از انتشار نظارت می‌کرد (کریمیان، ۱۳۸۳: ۶۸).

هیئت وزیران به جهت تقویت نظارت بر مطبوعات در ۱۸ بهمن ۱۳۱۲ش آیین‌نامه اداره نگارش وزارت معارف را تصویب کرد. بر اساس این آیین‌نامه و به منظور نظارت بر امور تألیفات و نمایش‌ها و مطبوعات اداره انطباعات در وزارت معارف تشکیل گردید. اداره انطباعات و شعب و دوایر آن زیر نظر مستقیم وزیر معارف فعالیت می‌کردند. انتخاب مدیران و رؤسای شعب و اعضای آن به پیشنهاد رؤسای اداره و تصویب شخص وزیر بود. دوایر و شعب اداره انطباعات شامل: دایره مطبوعات، دایره احصائیه، دایره کتابخانه ملی، شعبه مجله، شعبه نمایش‌ها و سینما و رمان، شعبه تألیف و ترجمه، شعبه نظارت شرعیات، شعبه اطلاعات و کتابخانه فنی بود. نظارت بر اجرای قانون مطبوعات از وظایف مهم دایره مطبوعات بود. از وظایف مهم شعبه نظارت شرعیات یکی اظهارنظر نسبت به کتب دینی که تقاضای اجازه طبع و نشر از وزارت معارف داشتند و دیگری مراجعه به مقالات جراید، به منظور جلوگیری از چاپ و نشر مقالاتی که طبق قانون نظارت مطبوعات مصوب ۱۰ آبان ۱۳۰۱ مضر تشخیص داده می‌شد (همان).

با گسترش تعداد روزنامه‌ها و ابعاد مختلف فعالیت آنها از دهه ۲۰، از سوی وزارت فرهنگ اداره‌ای به نام «اداره کل نگارش» و کمیسیون‌های تخصصی آن به وجود آمد. این اداره درحقیقت بازوی کمکی شورای عالی معارف (فرهنگ) بود. اداره کل نگارش ابتدا پرونده‌های رسیده را بررسی و نتایج بررسی‌های خود را که از سوی کمیسیون‌های تخصصی صورت می‌گرفت به شورای عالی فرهنگ برای تصمیم‌گیری و تصویب یا رد تقاضاهای رسیده ارسال می‌کرد. نظارت شرعی بر مطالب دینی و مذهبی منتشره

در مطبوعات و به‌ویژه روزنامه‌ها و مجلات همچنان بر عهده نمایندگان مورد وثوق علما و مجتهدان جامع‌الشرایط در تهران و شهرستان‌ها بود (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۸۲۳۳-۲۹۰؛ مجموعه قوانین چهارمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی ۱۰ تیرماه ۱۳۰۰ تا ۳۱ خرداد ۱۳۰۲).

شورای عالی فرهنگ در ششصد و پنجمین جلسه خود در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۶ آیین‌نامه شورای عالی انطباعات و صنایع مستظرفه را تصویب کرد. این شورا به منظور نظارت بر امور مطبوعات و صنایع مستظرفه و آثار باستانی و مردم‌شناسی و نقاشی و موسیقی و حجاری و غیره که به موجب قانون و مقررات موضوعه به عهده اداره کل انطباعات و صنایع مستظرفه بود، تشکیل گردید (آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۴۴۸۵۱-۲۹۷). در اول بهمن ۱۳۲۸ اساسنامه شورای عالی نگارش از سوی شورای عالی فرهنگ تصویب و جایگزین شورای عالی انطباعات و صنایع مستظرفه شد. به موجب اساسنامه شورای عالی نگارش، نظارت بر امور مطبوعات بر طبق قوانین و مقررات بر عهده اداره کل نگارش در وزارت فرهنگ قرار گرفت (آرشیو ملی ایران، سند‌های شماره ۴۴۳۹۴-۲۹۷؛ ۴۴۵۱۰-۲۹۷).

نکته مهم و قابل توجه این است که علی‌رغم تحولات اداری، در ساختار تشکیلاتی و نظارتی و در انتخاب اعضای شورای نظارت و تهیه و تنظیم مقررات و قوانین مربوط به مطبوعات، حکومت و نظام سیاسی نقشی پررنگ و اساسی داشته است.

ج. صدور امتیازنامه روزنامه و مجله (صدور چاپ و نشر) از دیگر وظایف شورای عالی معارف، صدور اجازه چاپ و نشر روزنامه و مجله بود. این شورا در راستای وظیفه قانونی خود در طول سال‌های پایانی حکومت قاجاریه و فضای سیاسی پس از کودتای ۱۲۹۹ش و سلطنت رضاشاه، پرونده‌های متقاضیان بسیاری را مورد بررسی و تصویب نمود. در تمامی مجوزهای صادرشده تأکید می‌شد صاحبان مطبوعات، مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند و در سیاست داخل نشوند (کریمیان، همان: ۶۲-۶۴). در نخستین گام در سال ۱۳۰۱ش از بین سی‌ونه پرونده متقاضی امتیاز روزنامه، تقاضانامه ۱۴ نفر از آنان مورد تأیید قرار گرفت و تصویب شد (صورت‌جلسات شورای عالی معارف، ۱۳۰۱، دفتر شماره ۱، ۳۰-۲۸).

سیاسی جدید به گروه‌ها و احزاب مختلف اجازه داد تا فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی خود را آغاز کنند. لازم به ذکر است برخی از دولت‌ها دست به توقیف روزنامه‌های رقیب خود می‌زدند. دولت بعدی به محض روی کار آمدن روزنامه‌های دوست و همراه خود را آزاد می‌کرد. فضای ایجاد شده موجب شد تا مطبوعات فعالیت و گسترش بیشتری داشته باشند و حکومت عملاً نتواند اقدامی جدی علیه آنها انجام دهد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

اولین قانون ممیزی و مقررات رسمی برای سانسور و نظارت بر مطبوعات به دستور ناصرالدین‌شاه و توسط شخصی به نام کنت دومنت فرت در سال ۱۲۹۶ ق تألیف شد. با انقلاب مشروطیت و تدوین قانون اساسی مشروطه، نظر به اهمیت مطبوعات، تهیه و تدوین قانون مطبوعات و مهم‌تر از آن بحث نظارت بر فعالیت مطبوعات در دستور کار نمایندگان مجلس شورای ملی قرار گرفت و نخستین قانون مطبوعات توسط نمایندگان مجلس شورای ملی در ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ ش تصویب شد. این قانون مفصل‌ترین قانون مطبوعات در ایران به شمار می‌آید و از همان ابتدا در مقدمه آن به سپردن التزام شرعی و تعهد به وزارت معارف از سوی صاحبان مطبوعات تأکید شد.

در سال ۱۳۰۰ ش از سوی مجلس شورای ملی، شورای عالی معارف متولی اصلی تهیه و تنظیم مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به مطبوعات، تشخیص صلاحیت اشخاص متقاضی امتیاز مجله و روزنامه و صدور هرگونه امتیازنامه و نظارت بر عملکرد و اقدامات آنها گردید. این شورا بر اساس منویات سیاسی و فرهنگی حکومت به وضع قوانین و نظامنامه نحوه صدور امتیاز روزنامه و مجله در سراسر کشور پرداخت. البته در سال‌های بعد برخی سازمان‌ها و نهادها مانند شهربانی و کمیسیون مطبوعات در سازمان پرورش افکار، بر فعالیت و انتشار روزنامه‌ها و مجلات دخالت می‌کردند و مدیران جراید و مجلات مکلف و موظف بودند برای درج مطالب و افکار خود اجازه بازرسی مطبوعات شهربانی و یا کمیسیون مطبوعات را کسب کنند. شورای عالی معارف به منظور نظارت بیشتر بر مطبوعات دفتر مخصوصی تشکیل داد و به ثبت و ضبط اسامی مدیران و سردبیران، اسم و عنوان، مکان چاپ و نشر، روزانه یا

در فاصله حوت (اسفند) ۱۳۰۱ تا اسد (مرداد) ۱۳۰۳ درخواست امتیاز ۶۵ روزنامه و مجله به تصویب شورای عالی معارف رسید (آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۵۶۹۳-۲۹۷). از جمله در جلسه بیست و دوم این شورا در اردیبهشت ۱۳۰۴ اجازه چاپ و انتشار روزنامه «استقلال وطن» به مدیریت آقای ابوالقاسم‌خان کحال‌زاده با مسلک سیاسی و اجتماعی و اخلاقی و مجله «آینده» به مدیریت آقای میرزا محمودخان افشار با مسلک ادبی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در تهران تصویب و صادر شد (آرشیو ملی ایران، سند شماره ۶۱۰۹-۲۹۷).

در بیست و چهارمین جلسه شورای عالی معارف به تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ امتیاز روزنامه موسوم به جام جهان‌نما به آقای میرزا محمدخان حنّانه اعطاء گردید (آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۲۹۸۹-۲۹۷). پیشنهاد امتیاز این روزنامه در ابتدا با نام «عصر بهائیم» از سوی میرزا محمدخان حنّانه در ۱۲ اسفند ۱۳۰۲ ارائه شد. شورای عالی معارف پس از بررسی مقرر کرد که روزنامه با نام دیگری از سوی نامبرده پیشنهاد شود. لذا نام روزنامه به جام جهان‌نما تغییر یافت و مورد تأیید شورا قرار گرفت.

در سال ۱۳۰۶ ش امتیاز ۱۹ روزنامه و مجله در تهران و شهرستان‌ها از سوی شورا صادر شد (کتابچه دولت علیه ایران، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره بازیابی و ۳۹۲۵، ۳۹). به‌طور کلی تعداد عناوین نشریات در پنج‌ساله ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ ش سیصد و چهار عنوان نشریه ذکر شده است. در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ بیش از ۴۸۹ عنوان جدید به فهرست مطبوعات اضافه شد. با آغاز روند توقیف و تعطیلی تدریجی مطبوعات در دوره پهلوی اول و به استناد فهرست تهیه‌شده از سوی اداره راهنمای نامه‌نگاری در مهر ۱۳۱۹ ش تنها ۴۹ روزنامه و مجله در تهران و شهرهای دیگر فعالیت داشتند (برزین، ۱۳۷۰: ۵۰).

در شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین عمر دیکتاتوری رضاشاه به پایان رسید و فضای سیاسی کشور دوره‌ای از آزادی مطبوعات را نوید داد. محتوای مطبوعات تغییر یافت و انتقاد از حاکمیت آغاز شد. تعداد عناوین روزنامه‌ها به ۱۷۱۸ عدد رسید (بیرگانی قربانی و اعلم، ۱۳۹۴: ۶). دریافت امتیاز روزنامه و مجله آسان‌تر شد اما بازار توقیف و تعطیلی همچنان ادامه داشت. فضای

شورا عبارت است از: تمامی روزنامه‌ها و مجلات قبل از انتشار بایستی از شورای عالی معارف امتیازنامه دریافت کنند. اسم و رسم صاحبان روزنامه و مجله، محل انتشار، روزانه یا هفتگی بودن، مرام و مسلک آن بایستی در روزنامه یا مجله قید شود. دبیران، استادان و مستخدمین دولت از داشتن روزنامه یا مجله و نوشتن مطالب در آن منع بودند. اگر روزنامه یا مجله مرتکب خلاف از قانون مطبوعات و مقررات تهیه شده از سوی شورای عالی معارف شوند به حکم قانون تحت تعقیب و تنبیه و مؤاخذه قرار خواهند گرفت.

پیشنهادها

بنابراین ضروری است به منظور حفظ و رعایت اصول اساسی آزادی مطبوعات، نهاد نظارتی به لحاظ ساختاری و تشکیلاتی و وظایف و شیوه کار مستقل از دولت باشد. یک شورای عالی برای مطبوعات ایجاد شود تا خود روزنامه‌نگاران به امور مربوط به مطبوعات رسیدگی کنند. دولت‌ها تنها نقش هدایت‌کننده و حمایتگری را جهت تشکیل نهاد نظارتی ایفا کنند و تعیین قوانین و مقررات و جزئیات مربوط به مطبوعات را بر عهده خود مطبوعات و نمایندگان آنها بگذارند. نهادهای نظارتی به اصول آزادی مطبوعات و قوانین ملی و بین‌المللی درباره مطبوعات توجه نمایند و از ایجاد هرگونه محدودیت و مزاحمت غیرمنطقی و سلیقه‌ای دست بردارند.

هفتگی بودن، مرام و مسلک هر روزنامه و مجله اقدام کرد. بعد از تغییر عنوان وزارت معارف به وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۷ش، اداره کل نگارش و کمیسیون‌های تخصصی آن در وزارت فرهنگ تشکیل گردید. تقاضاهای رسیده برای کسب امتیاز روزنامه و مجله ابتدا به این اداره سپرده می‌شد. نتایج بررسی‌های کمیسیون‌های تخصصی برای تصمیم‌گیری و تصویب یا رد تقاضاها به شورای عالی فرهنگ ارسال می‌گردید. نظارت شرعی بر مطالب دینی و مذهبی منتشره در مطبوعات از سوی شورای عالی فرهنگ و با کمک نمایندگان مورد وثوق علما و مجتهدان جامع‌الشرایط در تهران و شهرستان‌ها بوده است.

ساختار نهادی و تشکیلاتی، وظایف کارکردی و نحوه عملکرد شورای عالی معارف نشان‌دهنده عدم استقلال این نهاد و وابستگی آن به دولت‌ها بود. با وجود کاربرد اصطلاح آزادی بیان و قلم و مطبوعات آزاد در قانون مطبوعات، نظارت بر مطبوعات در ایران مانند دیگر کشورها به شکل رسمی و از سوی حکومت تقویت شد. درحقیقت در دسته‌بندی نظام‌های نظارتی، شورای عالی معارف در دسته نظام‌های پیش‌گیری یا پلیسی قرار می‌گیرد که تلاش کرد با وضع قوانین و مقررات و مصوبات خود الزاماتی را برای جلوگیری از هر عمل غیرقانونی به افراد و صاحبان مطبوعات تحمیل سازد و جامعه را به سوی یک نظام هدایت‌شده و مورد اعتماد حکومت سوق دهد. برخی از مهم‌ترین مقررات مصوب

پی‌نوشت

۱. در سال ۱۳۱۷ و با تصویب فرهنگستان زبان فارسی نام وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه به وزارت فرهنگ تغییر یافت و بر اساس همین مصوبه نام شورای عالی معارف نیز به شورای فرهنگ تغییر کرد.

فهرست منابع فارسی

انتشارات زوار.
برزین، مسعود (۱۳۷۰)، تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، شماره ۸۰.
بهشتی‌پور، مهدی (۱۳۷۲)، مطبوعات ایران در دوره پهلوی، فصلنامه رسانه، شماره ۱۴.
بیرگانی قربانی، کبری؛ اعلم، محمدرضا (۱۳۹۴)، بررسی اوضاع مطبوعات ایران پس از سقوط رضاشاه تا کودتای ۲۸

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه-مآثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۲)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
بامداد، مهدی (۱۳۵۷)، *شرح حال رجال ایران*، تهران،

مرداد ۱۳۳۲، فصلنامه *جندی شاپور*، سال یکم، شماره ۴.
حیدری، پروین (۱۳۹۶)، *ترور میرزاده عشقی و تأثیر آن بر سانسور مطبوعات دوره رضاشاه*، فصلنامه *تاریخ نو*، شماره ۱۹.
رحمانی، عنایت‌الله (۱۳۸۵)، *تاریخچه سانسور در ایران*، مجله *یاد*، شماره ۸۱.
سلیمانی، کریم (۱۳۸۸)، *سانسور مطبوعات*، کتاب، فیلم‌برداری و عکس‌برداری در دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، فصلنامه *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال اول شماره ۲.
صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۲)، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، اصفهان، انتشارات کمال.
صدیق اعلم، عیسی (۱۳۵۴)، *یادگار عمر*، ج ۴، تهران، دهخدا.
صورتجلسات شورای عالی معارف (۱۳۰۱)، *دفتر شماره ۱*، مرکز اسناد وزارت آموزش و پرورش.
قاسمی، فرید (۱۳۹۴)، *تاریخ مطبوعات ایران*، تهران، نشر ثابیه.
قاسمی، فرید (۱۳۸۸)، *سیر تاریخی مجموعه قوانین مطبوعاتی ایران*، تهران، نشر امروز.
قاضی‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، *قانون مطبوعات از قاجار تا پهلوی*، فصلنامه *رسانه*، شماره ۲۲، صص ۶۶-۷۳.
کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۶۳)، *مجله ایرانشهر*، تهران، انتشارات اقبال.
کتابچه دولت علیه ایران، *وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه*، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره بازیابی ۳۹، ۳۹۲۵.
کتابچه قانون مطبوعات (۱۳۲۶ق)، به خط عمادالکتاب، نشر مطبعه میرزا علی اصغر، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷، *آرشیو اسناد ملی ایران*.
کریمیان، علی (۱۳۸۳)، *اداره راهنمای نامه‌نگاری یا نظارت بر سانسور مطبوعات در عصر رضاشاه*، گنجینه اسناد، شماره ۵۵.
کهن، گوئل (۱۳۶۰)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، تهران، انتشارات آگاه.
کهندانی، مصطفی (۱۳۸۸)، *تاریخ تطور و تحول در شورای*

عالی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات نورالثقلین.
مجله *تعلیم و تربیت* (۱۳۰۴)، سال اول، شماره ۱۱ و ۱۲.
مجله *تعلیم و تربیت* (۱۳۱۴)، سال پنجم، شماره ۷ و ۸.
مجموعه قوانین چهارمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی ۱۰ تیرماه ۱۳۰۰ تا ۳۱ خرداد ۱۳۰۲.
مجموعه قوانین دوره نخست قانون‌گذاری، ۱۲ مهر ۱۲۸۵ تا ۲ تیر ۱۲۸۷، چاپ سوم، ۱۳۱۸، مجلس شورای ملی.
محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران، انتشارات بعثت.
معمدنژاد، کاظم (۱۳۷۹)، *حقوق مطبوعات: بررسی تطبیقی مبانی حقوقی آزادی مطبوعات و مقررات تأسیس و انتشار آنها*، جلد یکم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
مقدم‌فر، حمید (۱۳۸۰)، *سیر تاریخی قوانین مطبوعات در ایران*، مجله *وکالت*، شماره ۷.
هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران، نشر میزان.
اسناد و روزنامه:
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۴۴۳۹۴.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۴۴۵۱۰.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۱۴۳۳.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۴۶۷۰.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۹۱۸.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۹۹۸۳.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۴۳۴۴۰.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۷۷۴۴.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۰-۸۲۳۳.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۰-۸۲۳۳.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۵۶۹۳.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۳-۴۰۹۵۴.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۴۰-۳۱۵۱۴.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۷۷۴۴.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۱۰-۵۲۲۳۴.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۷۷۴۴.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۱۰-۵۲۲۳۴.
آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۵۶۹۲.

آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۶۴۵۴
 آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۶۱۰۹
 روزنامه ندای وطن، ۲۳ ذی قعدة ۱۳۲۵، سال دوم، شماره
 ۱۳۷

آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۴۴۸۵۱
 آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۲۶۸
 آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۲۹۸۹
 آرشیو ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷-۳۵۴۹۲

فهرست منابع غیر فارسی

Bamdad, M, 1357, biography of Iranian nobles, Tehran, Zavar Publications. (in Persian).
 Barzin, M (1370) Statistical analysis of Iranian press, Media Studies and Research Center, No. 80. (in Persian).
 Beheshtipour, M, 1372, Iranian Press in the Pahlavi Period, Media Quarterly, No. 14. (in Persian).
 Birgani Ghorbani, K & Aalam, M, 2014, Investigating the situation of the Iranian press after the fall of Reza Shah until the coup d'état of August 28, 1332, Jundi Shapur Quarterly, Year 1, Number 4. (in Persian).
 Booklet of the government against Iran, Ministry of Education, Endowment and Endowment Industries, Central Library and Document Center of Tehran University, retrieval number 3925, 39. (in Persian).
 Booklet of the press law of 1326 AH, written by Emad-al Kitab, published by Mirza Ali-Asghar Press, Document No. 297-39983, National Document Archive of Iran. (in Persian).
 Documents and newspapers:
 Etemad al-Saltaneh, M, 1363, Forty years of Iran's history during the reign of Nasser al-Din Shah - Works and Antiquities, by Iraj Afshar, Tehran, Asatir Publications. (in Persian)
 Etemad al-Saltaneh, M, 2013, Etemad al-Saltaneh Diary, by Iraj Afshar, Tehran, Amir Kabir Publications. (in Persian).
 Ghasemi, F, 1388, historical course of press laws of Iran, Tehran, Amroud Publishing. (in Persian).
 Ghasemi, F, 2014, History of Iranian Press, Tehran, Sanieh Publishing (in Persian).
 Hashemi, Seyyed Mohammad, 1384, Human Rights and Basic Freedoms, Tehran, Nashr-e Mizan. (in Persian).
 Heydari, P, 2016, Mirzadeh Eshghi's assassination and its effect on the press censorship during Reza Shah's period, Tarikh-e No Quarterly, No. 19. (in Persian).
 Journal of Education, 1304, first year, numbers 11

and 12.
 Journal of Education, 1314, fifth year, number 7 and 8.
 Karimian, A, 1383, Letter-writing guide office or monitoring of press censorship in the era of Reza Shah, Ganjineh-eAsanad, No. 55. (in Persian).
 Kazem-zadeh Iranshahr, H, 1363, Iranshahr Magazine, Tehran, Iqbal Publications. (in Persian).
 Kohan, Goel, 1360, History of Censorship in Iranian Press, Tehran, Agah Publications. (in Persian).
 Kohandani, M, 1388, the history of evolution and transformation in the Supreme Council of Education, Tehran: Noor al-thaqalayn Publications. (in Persian).
 Minutes of the Supreme Council of Education, 1301, Office No. 1, Document Center of the Ministry of Education.
 Moghadam-Far, H, 2010, historical course of press laws in Iran, Vakalt magazine, number 7. (in Persian).
 Mohit Tabatabaei, M, 1366, Analytical History of Iranian Press, Tehran, Besat Publications. (in Persian).
 Motamedanjad, K, 1379, press rights; A comparative study of the legal foundations of freedom of the press and their establishment and publication regulations, Volume 1, Tehran, Center for Media Studies and Research (in Persian).
 Naday Vatan newspaper, 23 Dhu Qada 1325, second year, number 137
 National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 240-31514
 National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 290-8233
 National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 290-8233
 National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 293-40954
 National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-31433
 National Archives of Iran (SAKMA), Document No.

- 297-3268
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-32989
- 297-34670
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-34670
- 297-35492
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-35492
- 297-35692
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-35692
- 297-35693
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-35693
- 297-36454
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-36454
- 297-3918
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-3918
- 297-39983
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-39983
- 297-43440
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-43440
- 297-44394
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-44394
- 297-44510
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-44510
- 297-44851
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-44851
- 297-6109
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-6109
- 297-7744
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-7744
- 297-7744
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 297-7744
- 310-52234
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 310-52234
- 310-52234
National Archives of Iran (SAKMA), Document No. 310-52234
- Rahmani, E, 1385, History of Censorship in Iran, Yad Magazine, No. 81. (in Persian).
- Sadr Hashemi, M, 1362, History of Iranian Newspapers and Magazines, Isfahan, Kamal Publications. (in Persian).
- Sediq A'lam, Isa, 1354, Yadgar Omr, Volume 4, Tehran, Dekhoda. (in Persian).
- Siebert, F, Peterson et al. 1956, Four Theories of the Press. Urbana, Ill University of Illinois Press.
- Soleimani, K, 1388, Censorship of the press, books, filming and photography during the period of Reza Shah (1304-1320), Cultural History Studies Quarterly, first year number 2. (in Persian).
- The set of laws of the first legislative period, 12 Mehr-e 1285 to 2 tir-e 1287, third edition, 1318, Majlis Shora Melli Iran. (in Persian).
- The set of laws of the fourth legislative period, from 10 tir-e 1300 to 31 khordad-e 1302. Majlis Shora Melli Iran. (in Persian).